

نظر خواهی نشریه شهروند در مورد تروریسم از گروه مهر ایران

۱- آیا بنظر شما تصمیم امریکا برای مبارزه با امریکا واقعیت یا هدفهای سیاسی نظامی دیگری را در منطقه دنبال میکند؟

قصد واقعی و نهائی امریکا در برخورد به تروریسم بعد از واقعه اخیر تروریستی چندان مشخص نیست. اگر نخواهیم به پیش بینی بنشینیم، آنچه میتوان گفت بر اساس مواظعیست که امریکا متعاقب این اقدام تروریستی اتخاذ کرده و حرکاتی که انجام داده است. مواضعی که کاملاً متناقض بوده است. از یک سو از مبارزه با تروریسم و گروهها و کشورهایی که موجد و پشتیبان آن هستند دم میزند و از سوی دیگر تمام اقدامات عملی را ظاهراً متوجه فردی بنام بن لادن کرده است. انتقاد امریکا از طالبان بخاطر این نیست که رژیم ضد بشر است، بلکه بخاطر اینست که بن لادن را تحویل امریکا نمیدهد.

البته بتدریج چرخش هائی در همین سیاست های ظاهری نیز ایجاد شده است. مثلاً بوش در نطق هفته گذشته خود برای اولین بار به مصائب و بدبختیهای اشاره کرد که طالبان بر سر مردم افغانستان آورده است. از زنان و مردان و کودکان تحت ستم افغانی نام برد و برای اولین بار تروریسم رایج در درون مرزهای یک کشور توجه نشان داد. در تناقض با چنین برخوردی، کشورهای جابر و تروریست دنیا مورد مذاکره امریکا قرار میگیرند و از آنها دعوت میشود که در مبارزه علیه تروریسم شرکت کنند. شرط چشم پوشی بر تروریسم اثبات شده و شناخته شده رژیم هائی چون سودان، ایران، و پاکستان در طی سالهای طولانی در درون و برون مرزهای آنان، به این کاهش می یابد که در شکار بن لادن با امریکا همراه باشند. مهم نیست که رژیم اسلامی در ۲۲ سال گذشته در برون مرز چه کرده است. بمب گذاری پایگاه امریکا در عربستان، بمب گذاری مرکز کلیمیان در آرژانتین، ترور مترجمان کتاب سلمان رشدی، ترور تعداد زیادی از مخالفان رژیم در برون مرز، و تمامی کشتارهایی که در درون مرز انجام داده و ترور و حستی که بر مردم ما مستولی نموده است، اینها همه قابل چشم پوشیست. امریکا بطور مشخص میگوید "ادامه" تروریسم در خارج کشور را متوقف کنید و قصد آن دارد که با ارباب و چشم ترس گرفتن از طریق مثلاً حمله به افغانستان، و در عین حال وعده به اینکه کماکان چشم را بر جنایات داخلی تروریستها خواهد بست و مراودات را تجدید خواهد کرد، این قول را از آنها بگیرد.

این در واقع ادامه همان سیاست پیشین امریکاست. سیاستی که فرض را بر این داشت که میتواند تروریسم را محدود به مرزهای دیگر کشورها کند و خود را مصون از آن دارد. علیرغم شکست این سیاست و نتایج فاجعه بارش برای امریکا، شاهد ادامه همان سیاست در شکلی متفاوت هستیم، سیاستی که نه تنها با تروریسم مبارزه ای نخواهد کرد بلکه به آن دامن هم خواهد زد. امریکا آن زمانی تصمیم به مبارزه علیه تروریسم گرفته است که بعنوان یک نقطه آغاز

از حمایت رژیم های تروریسم دست بردارد، فاکتور "منافع" را در ارزیابی ترور و تروریسم مداخله ندهد، و تنبیه تروریست ها را در چارچوب قوانین و نهاد های بین المللی و نه در لشکر کشی جستجو کند. چهار ماه پیش بود که امریکا به همین رژیم ضد بشر طالبان ۴۳ میلیون دلار جایزه که کشت تریاک را در افغانستان ممنوع اعلام کنند. (برای اطلاع از جزئیات این امر میتوانید داد

به مقاله Robert Scheer در تاریخ 22 May 2001 درلس آنجلس تایمز مراجعه کنید). اگر شیوه برخورد با عوامل تروریسم تابع ملاحظات سیاسی و اقتصادی نبود هیولاهائی نظیر طالبان و بن لادن خلق نمیشدند که ایچنین فجایعی را بار آورند.

از طرف دیگر بنظر میرسد که این فاجعه بهانه ای شده است که دولت امریکا حمله ای همه جانبه را در سطوح مختلف به آزادیهای مردم آغاز کند و تحت عنوان مبارزه با تروریسم دامنه اختیارات دولت را در تحدید آزادیهای فردی- اجتماعی گسترش دهد. مثلا لایحه جدیدی که در مورد تروریسم در دست تهیه است، شرایطی را ایجاد خواهد کرد که دولت بتواند به بهانه های مختلف مهاجرین را اخراج کند و یا آنکه مامورین دولتی در گوشه و کنار افراد را بازرسی بدنی کرده و بهر مکالمه تلفنی گوش فرا دهند. در واقع حمله تروریستها به امریکا نه تنها جان هزاران انسان را گرفت و خسارات مالی و روحی فراوانی ببار آورد، آزادیهای فردی و اجتماعی بسیاری را نیز قربانی خواهد کرد. از خیل تروریستها اما احتمالا تنها بن لادن که هنوز گناهش نیز در حادثه اخیر اثبات نشده است، کم خواهد شد. بهره برداری امریکا در زمینه دامن زدن به شرایط جنگی، افزایش بودجه نظامی، تشویق کشورها به خرید اسلحه و نظایر آن خود بحث مبسوط دیگریست که مجال آن در این گفتگو نیست.

۲- از آنجا که امریکا از همه کشورها خواسته است موضع خود را در مبارزه با تروریسم با پیوستن به ائتلاف جهانی مشخص کنند، تصمیم ایران را چگونه ارزیابی میکنید؟

امریکا با این گفته که یا با ما هستید یا با تروریستها و تاکید بر فقط قطع "ادامه" تروریسم، در واقع میخواهد همکاری رژیم های تروریستی چون رژیم اسلامی را به قیمت ریختن آب پاکی بر سر آنها بدست آورد و با برسمیت شناختن و مشروعیت بخشیدن به آنها دستشان را در کشتار مردمشان بیشتر باز بگذارد. تصمیم نهائی رژیم به همکاری و یا عدم همکاری با امریکا و یا میزان و درجه این همکاری بستگی به ارزیابیهای متفاوت جناحهای رژیم از نتایج مترتب بر این همکاری و یا عدم همکاریست. خامنه ای و دار و دسته اش که من آنها را جناح طالبان رژیم اسلامی مینامم، برای تغذیه هواداران و چماقداران حزب اله خود در رده های مختلف، باید به نوعی شعار مرگ بر امریکا را حفظ و از مشارکت علنی با رژیم بپرهیزند. از طرفی دیگر جناح خاتمی که من آنها را جناح خط امامیهای رژیم مینامم، دوام و بقای رژیم را در تمکین به امریکا میدانند با حفظ مسلما ظواهری که امریکا هم به آن توجه دارد و آنها را رعایت خواهد کرد.

تناقض گویی های اخیر رژیم علیرغم دلچک بازیها و همدردیهای مسخره اشان در ابتدا، گویای همین سر در گمیست. البته احتمال هم دارد که فکر کنند با ادامه این سیاست متناقض، هر دو جناح و نتیجتا کلیت رژیم به مقاصد خود دست خواهند یافت. بهر حال قدر مسلم اینستکه ما اگر قادر هم بودیم راه برون رفت از این بن بست را به رژیم اسلامی نشان نمیدادیم!

۳- اگر آمریکا و ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم بخواهند از زمین و فضای هوایی ایران برای انتقال نیرو به افغانستان استفاده کنند، ایران باید این تقاضا را بپذیرد یا نه؟

گمان من اینستکه رژیم اسلامی به استفاده مستقیم و آشکار از خاک ایران برای حمله به افغانستان بدلیل عواقب بعدی آن تن در نخواهد داد و اصولا آمریکا احتیاج چندانی هم به این امر نداشته و در مورد آن اصراری ندارد. آمریکا در این مقطع بیشتر خواهان خنثی نگاه داشتن رژیم اسلامی در مورد حمله احتمالی به افغانستان میباشد.

۴- از آنجا که تاکنون ایران، بویژه از سوی کنگره و دولت آمریکا به عنوان یکی از حامیان تروریسم جهانی شناخته شده، آیا پیوستن احتمالی ایران به ائتلاف جهانی میتواند این سابقه را ازین ببرد و روابط مجدد ایران و آمریکا برقرار شود؟

شرایط تجدید رابطه با رژیم اسلامی مدتهاست که از طرف آمریکا مشخص شده است: قطع کارهای تروریستی در خارج، عدم دخالت در صلح خاور میانه، و عدم تولید سلاحهای مخرب.

شکی نیست که حمایت رژیم و یا حد اقل عدم مخالفتش در حمله به افغانستان در جهت ارضای این شرط است و دست آمریکا را اگر نه در برداشتن کامل تحریم بلکه کاهش آن بازتر میکند. البته فاکتورهای دیگری نیز وجود دارند که از جمله موضع کنونی دولت اسرائیل در مورد رابطه با رژیم اسلامیست و مخالفتش با حضور رژیم در مبارزه علیه تروریسم. علیرغم آنکه آمریکا تا بحال توجه چندانی در ظاهر به این خواست نکرده است، این مسئله یکی از عوامل موثر در تجدید رابطه با رژیم میباشد،

اینکه پیوستن رژیم به این ائتلاف میتواند سابقه تروریستی رژیم را از بین ببرد بستگی به عوامل گوناگونی دارد. کشورهای اروپا مدتهاست چشم را بر جنایات رژیم بسته اند و آمریکا نیز آمادگی خود را برای اینکار اعلام کرده است. از اینروست که لحظات کنونی از حیاتی ترین و تعیین کننده ترین لحظات دوران سلطه رژیم ترور و وحشت بر مردم ماست و وظایف بس خطیری را بر عهده ایرانیان آزادی خواه قرار میدهد. اگر به انتظار این بنشینیم که آمریکا و یا اروپا چه میکنند، اسرائیل چه میخواهد و رژیم اسلامی چه خواهد کرد، آینده بس تاریکی ممکن است

برای ما رقم بخورد.

یک سناریوی ممکن اینستکه رژیم با اعلام وفاداری به امریکا که نباید الزاما آشکار و علنی باشد از لیست تروریستها در بیاید و روابط علنی همه جانبه با آن آغاز شود. این امر بزرگترین فاجعه ایست که میتواند در این شرایط اتفاق بیافتد. اگر چنین شود رژیم سنگسار و کشتار با بهره‌گیری از کمکهای اقتصادی، نیروی سرکوب خود را باز سازی کرده و برای از بین بردن جنبش مردمی از هیچ جنایتی فرو گذار نخواهد کرد.

سناریوی دیگر آنستکه ایرانیان آزادیخواه مصمم شوند که سر انجام این واقعه را خود رقم بزنند و از فرصت طلایی که پیش آمده است بهره بگیرند و مشروعیت کاذب رژیم را سلب و مانع بند و بست های رژیم و طرفدارانش بشوند.

این فرصت طلاییست. برای اولین بار زمینه ای پیش آمده است که ایرانیان برون مرز میتوانند با مردم کشورهایی که مقیم آن هستند رابطه برقرار کنند و ماهیت تروریستی رژیم را با استفاده از همان زمینه‌هایی که اینروزها ایجاد شده و ما هرگز قادر به ایجادش نبودیم به آنان نشان دهند. اگر چنین کنیم آنگاه آنچنان ساده نخواهد بود که امریکا و یا سایر کشور در شرایطی که دم از مبارزه با تروریسم میزنند بتوانند دست دوستی بسوی رژیم اسلامی دراز کنند. ما نیازی نداریم که تروریسم رژیم اسلامی را به مردم امریکا و جهان اثبات کنیم. دولت امریکا خود اینرا انجام داده و سالهاست که رژیم را در لیست تروریستها قرار داده است. منتها هرگز بعنوان تروریست با آن رفتار نکرده است. ما هم نه خود کوشیده‌ایم که قدرتی شویم و نه توانسته ایم در اینراه از مردم دنیا کمکی بگیریم. فرصت طلایی که اکنون در اختیار ماست انجام این امر را برایمان میسر ساخته است.

۵- شما به عنوان یکی از افراد اپوزیسیون ایرانی ترجیح میدهید جمهوری اسلامی هم در مبارزه با تروریسم مورد هدف قرار گیرد یا به قیمت استحکام و بقای بیشتر به ائتلاف مبارزه با تروریسم بپیوندد؟

همانطور که اشاره کردم هرگز فرصتی مناسبتر از این وجود نداشته است که بتوان افکار عمومی دنیا را معطوف به جنایات رژیم اسلامی کرد و مانع کمک دولتمدارانشان به رژیم اسلامی شد. طرفداران رژیم بنحو بسیار آگاهانه و افرادی دیگر نیز با تحلیل‌ها و نتیجه‌گیریهای اشتباه سعی دارند با تاکید بر ترس مردم از حمله احتمالی امریکا به ایران، جلوی هر گونه برخوردی را به رژیم بگیرند. به اعتقاد من قضیه کاملا برعکس است.

ما همچنانکه از ابتدای این فاجعه اعلام کردیم، با حمله امریکا به خاک ایران، افغانستان یا هر

جای دیگری سخت مخالفیم ولی از این امر به این نتیجه نمی‌رسیم که از افشای ماهیت واقعی این رژیم که سود جویان جهانی بکمک هم‌تاهای ایرانی‌شان سعی در مخفی نگه داشتنش داشته‌اند و دارند دست بشوئیم. بالعکس بر آن بیشتر نیز پامیفشاریم چرا که چشم‌ها و گوش‌ها معطوف به ما هستند. آنچه ما از جامعه جهانی می‌خواهیم و معتقدیم که میتوان آنرا از طریق شرکت در پروسه سیاسی و یاری گرفتن از مردم جهان تحقق بخشیم اینست که رژیم اسلامی را که از ابتدای شکل‌گیری در داخل و خارج، ترور و وحشت خود را اعمال کرده است، برسمیت نشناسید، با او رابطه برقرار نکنید، برایش مشروعیت نخرید، و جلوی مبارزات مردم ما را نگیرید. به این رژیم کمک نکنید و بگذارید تا مردم ما خود بساط ظلم را برافکنند. این خواست انسانی نه تنها آمریکا را تشویق به حمله به ایران و یا هیچ کشور دیگری نمی‌کند بلکه در صورت جلب توجه مردم آمریکا و دنیا بعنوان عامل بازدارنده نیز عمل خواهد کرد.

آمریکا و هیچ کشور دیگری نباید بتواند خود سرانه رای به محکومیت فرد و یا کشوری بدهد و خود نیز مجری این حکم بشود. این روش دنیای ما را به جنگلی مبدل خواهد ساخت که بیشتر از همه مطلوب تروریستها خواهد بود. تمام آنانکه در گوشه و کنار دنیا آدم میکشند، خود را محق میدانند و بخیال خود تروریستها را میکشند. خود، هم قاضیند و هم مجری حکم. دنیای متمدن باید این رویه قرون وسطائی را کنار بگذارد و گرنه تروریسیم نه تنها ریشه کن نمیشود بلکه در ابعاد وحشتناکی رشد نیز خواهد کرد.

شکی نیست که تروریستها باید مجازات شوند. برای اینکار ابتدا باید ترور و تروریسم را بدرستی و بگونه ای جهان شمول تعریف کرد تا هر کس به میل خود آنرا تعبیر نکند. در نهادهای بین‌المللی بسیاری در حال حاضر وجود دارند که دارای چنان حیطة عملی هستند که آنها را قادر به رسیدگی به جرائم تروریستی مینماید. تروریستها را باید در این مراجع محاکمه و آنانی را که غیاباً محکوم میشوند دستگیر کرد و اینجاست که اگر لازم شد نیروهای خاص اینکار که میتواند با ائتلاف جهانی و از طرف نهادهای بین‌المللی و سازمان ملل تعیین شوند انجام این عمل را بعهده خواهند گرفت. اینچنین خواهد بود که عدالت پاسخگوی ترور خواهد شد نه اینکه برای مبارزه با تروریسم، هر که بدخواه خود بجان دیگری بیافتد.

متأسفانه آمریکا تا بحال موافق پاگرفتن چنین نهادهای بین‌المللی نبوده است و بعنوان مثال با ایجاد دادگاه جزائی بین‌المللی سخت مخالفت کرده است. فعالان حقوق بشر منجمله سازمان عفو بین‌الملل تروریسم را جنایت علیه بشریت دانسته و رسیدگی به آنرا در حیطة وظایف دادگاه جزائی میدانند.

بنابراین تروریسم رژیم اسلامی باید هدف قرار گیرد و برجسته شود تا با سلب مشروعیتش شرایط محاکمه جنایتکاران رژیم در نهادهای بین‌المللی تسهیل شود. قبول و تاکید اینکه رژیم

اسلامی، یکی از بزرگترین رژیم های تروریستی عصر ما میتواند به اردوگاه مبارزه با تروریسم
بپیوندد، دردناکترین شوخی تاریخ خواهد بود.

ایرانیان برای اینکه نقش تاریخی خود را ایفا کنند باید از زمینه های مناسبی که فراهم شده
است بهره بگیرند. بحث های رایج اینست که باید ریشه های اصلی را پیدا کرد و صحبت از
نقض حقوق انسانها و رفتار دوگانه آمریکا به تروریسم است. تنها ایرادی که وجود دارد اینست
که این بحث ها به رژیم اسلامی تعمیم داده نمیشود. این مهم را ما باید به عهده بگیریم و این
بحث را به میان مردم دنیا ببریم.

البته راه حل های اساسی همانست که ما، گروه مهر، بارها تشریح کرده ایم و شامل این نکات
میشود:

- ۱- شرکت در پروسه سیاسی و استفاده از قدرت رای خودمان و وادار کردن قدرتمداران به
عدم حمایت از رژیم
- ۲- تماس با مردم دنیا و کمک گرفتن از آنان و اعمال این نظر از طریق فشار آنان بر
دولتهایشان
- ۳- طرح شکایت بر علیه جنایتکاران رژیم از طریق نهادهای بین المللی

اگر قرارست از محدوده بیان آمال و آرزو خارج شویم و اراده و خواست خود را اعمال کنیم، باید
قدرتی شویم تا قدرتمداران بر اساس نیازشان به حرف و خواست ما توجه کنند. باید یک بلوک
قوی رای دهنده ایجاد کنیم و رای خود را مشروط به موضع گیری کاندیداها در مقابل ظلم
رژیم اسلامی بکنیم. راه گشای ما بسوی آینده ای آزاد و انسانی تنها خود ما و عمل ما میتواند
باشد.

محمد پروین

گروه تلاش برای نهادینه شدن حقوق بشر در ایران (مهر ایران)

۲ اکتبر ۲۰۰۱